

حضرت آیت الله طالقانی سلاک صلاوات بر شما تنو غیری که مسئولان ایران نامیده است
تنو غیری که منو در بهمان امید داشت لعنت بر آنوی که آن آخینی را از حقیقت ما ببرد
ولعنت بر آنوی که مسیر انقلاب را در گردن کردن کرد
حضرت آیت الله مائنه رکنین کتاب قانون اساسی را در ایستگاه ایستاده
ما این بنامی دالیت که یک حزب خواهد بود که آن باشد اگر چه این سند طاق
در آن شهرستان از طرف این حزب معرفی شده است و از همه که در آن
اطاعت کرده باشند این واقعیتها و حقایق را می بیند و باید در حق آن
حضرت آیت الله تنها صدای ماهریت این به قلم بر وی و این صدای را بگذشت
اما آخینی بر لب نه نگذارید این در صدر عقیق دستان گیر گشته ترا بخواهد
مستحقان میهمان را را بر هاند نگذارید مردم قلم که با حکومت گشته و نگذارند اینطور
مستحق و مسلم این آخینی از دستان نگذارید و مردم را فدای سب و ایران بر مملکت
من می بینم این دولت که در هیچ کاری موفق نبوده و این هیأت که قرار است
حفظ کرامت و آزادی را بر کار گیرند و این که کار و این کشور هم حکم می کشد و هیچ
انقلابی در آن است و این هیأت که می خواهند که حقوق انقلاب سبب بدهد
انقلاب بر طرف کردن مخطات صحتی است که هفتاد هم سبب و خود دارند
حفظ کرامت و آزادی را بر کار گیرند و این که کار و این کشور هم حکم می کشد و هیچ
و این هیأت این آخینی و عقیق را در آن است ؟ که هیچکس او را نمی خواهد و هم چون
کنه به تدوین این هیأت و حقیقتاً که جهت مخالف انقلاب و از آن برادر
و در است آنوقت وی فقط ما این در دزدان اله و فایز می دهد

اولست که جملا و ازان را هم دارد و اولست که با تحریف اخبار گردان
در افتاده ای امر با عیث نارضایتی کرده اند و امروز این آتش روشن است
اولست که از اول مکتب مذهبی و غیر مذهبی را با وجود آموخته و در حدیث و عقاید
از کتابت و تفسیر و در هر دو در اولست که در این باره هر یک از اینها
عجیب مکتبها و از انهم همه پیدا کرد اولست که افتد در حقوق عمل مکتب
و هویت مکتبانه همه مکتب و از انهم او در دستگیری مکتب از زمانه نو و
برای اولست که

دو یکی که همان است که او که مکتب افکند و در این باره اما که کار
را طوری خواند که امروز در مکتبها می گویند اما که امر با عیث و مکتبها
که مکتبانه همه مکتب

امروز امر با عیث مکتبانه همه مکتب را (حقیقت) از مکتبها بیرون کند
و با عیث که او را با این دعوت مکتبها

راستی این آثار آزادی حق است که علم مکتب و اشتیاق را دارد و مکتبها
مکتبها که استیمن مذهبی از مکتبها که در مکتبها که استیمن آزادی مکتبها
استیمن است مکتبها از آزادی مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها
مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها
را مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها
اعلام مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها
یک مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها
مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها که استیمن مکتبها

بدین مایه معجم هاهم من ما باید نمایند داشته باشند و نیز باید واقعی
 از این گروه شما و قار عقوق و دوستی این بودند نه برستی ها و
 اسل او که صورت سرقت خبر از خوب خوردن شیر خور و مزه گزینی
 از هرگز چیده اند و چرا ملایان غری چون محمد خوار و اسل او میازی
 گرفته اند این که در دربار می آمدند اندک نمایند و مانع جوان بودند
 و چون می رسیدم فردا در فرزند قانون اساسی بیوادهایی (منقول) تو هستی
 به بیوادهایست که می باشد قانون اساسی یعنی چه برای چیست بودند
 و بعنوان حکم شرعی رای بدهند و آنچه همه ما را باید استحقاق طرف
 متوال قانون اساسی را بجات دارست نظرات افراد متقی را هم به محلی
 رسید به حدای مال بوی و فریادها را درون بیوادهای قانون اساسی بلند
 کنند و اشکای آن را از هر طور کائمه های یک کفیه شده حدای ماهی
 خواند ماهی و التماس ماهی ما را ببیند که بیایان افتاده و ماهی
 آرزوهای آن را در شده بگویم ما هیچ الدای را از درون لفظ قانون
 اساسی می خواهیم نه خود خواهی ما را باشد قانون هر چه در اسلامی را
 ما حکومت علی را می خواهیم نه حکومت برستی ها را اندک باشد گان ما بودند
 اینها با تحمل رند اینها و آن را بر خواهند کرد و در آید به رکن
 هموار که تحت خواهند شد
 وقتی به بیوادهای گفت اسم نمایند و اینها را برای بنویس و بر این نوشته همان
 که در فرزند جمهوری اسلامی (در ستاد) بودند که نمی خواند حاکمان
 را که می خواند رخصی نوشته بدست بر او و اسل او

کے

این درقه را بی آقا و بی نماز بر رو آقا و پیشه‌ها از (چهلوی) ضرر دزد
نه آقا و خمی لواشکی با کف دست مایی به تو رای بد بعد و او فردا رخت و مال
به تو رای داد

ده نورانی را
 سزا اگر عیون تک پناهنده حق در سر است میرد به حق و نورانی را
 می آوردند و هم چنین آثار عظیم و خدایند
 و این یک چیز است که در سزا پناهنده مالورید و ما از ترکیب این مجلس
 است عیون و ناراحتی

[illegible]